

اصطلاح بسیار معروفی در بین ایرانیان هست که حتما همه ی ما آن را شنیده ایم و آن " صبر ایوب " است. می توانیم شرح زندگی پر از مشکلات و سختی های ایوب را در کتاب مقدس بخوانیم و بسیار باعث شگفتی است که ایوب چطور توانست آن همه عذاب و مصیبت را ببیند و تحمل کند! اما موضوع جالب تر درباره صبر خدا است. در واقع صبر و تحمل خدا همانند قدوسیت، نیکویی و حکمت خدا یکی از خصوصیات مهم خدا است. به همان اندازه که قدوسیت خدا مهم است و باید خدا را به خاطر آن مورد تمجید و ستایش قرار داد به همان شکل هم صبر خدا جزیی از کاملیت اوست و باید درباره ی آن اندیشید. وقتی کتاب مقدس را مطالعه می کنیم در بسیاری از بخشهای آن نشانه ی صبر و تحمل الهی را می بینیم. بدون در نظر گرفتن صبر الهی خیلی از موضوعات مهم روحانی برای ما مفهوم درستی نخواهد داشت. در بیشتر قسمت ها می بینیم که صبر خدا همراه با رحمت خدا در یک جا ذکر شده است، برای مثال: من خداوند هستم، خدای رحیم و مهربان، خدای دیرخشم (خروج ۳۴: ۶) ، یا ، خداوند ، تو عادل، بخشنده ، مهربان، صبور و رحیم هستی. (مزمور ۸۶: ۱۵). بنابراین یکی از شیوه هایی که خداوند رحمت خودش را به نمایش می گذارد، صبر و تحمل او است. اما صبر و رحمت خدا یک مفهوم نیستند. شاید سخت باشد تفاوت بین این دو را درک کرد اما با تحقیق کاملتر در کلام خدا صبر و تحمل خدا را به روشنی می بینیم. ما می دانیم که خداوند نیکو است و قسمتی از این نیکویی ملایمت او است و جالب توجه این است که هرچه نیکویی او عظیم تر است ، ملایمت او نیز عظیم تر می باشد. ما نمونه کامل این ملایمت را در عیسای مسیح می بینیم. کیست که مثل مسیح قدوس باشد و همزمان مانند مسیح فروتن و بردبار؟ پس دیر به خشم آمدن خدا مانند شاخه ای از رحمت او است و کلام خدا می گوید: خداوند بخشنده و مهربان است. او دیر غضبناک می شود و بسیار رحیم است. (مزمور ۱۴۵: ۸). رحمت خدا باعث می شود که خداوند بدبختی مخلوق خویش را ببیند و دلش به حال او سوخته و بر او رحم کند. در حالی که صبر خدا ملاحظه می کند و می بیند که این مخلوق در واقع یک خطاکار، یک گناهکار است و این صبر خدا هست که گناه و خطایی که باعث بدبختی مخلوق شده و همچنین باعث می شود که این خطاها و گناهان ادامه داشته باشد را تحمل می کند. اگر بخواهیم صبر خدا را واضح تر تعریف کنیم می توانیم بگوییم آن قدرت الهی که خدا برای کنترل خویش به کار می برد تا بتواند ما گناهکاران را تحمل کرده و فعلا مجازات نکند و مورد غضب الهی خودش قرار ندهد. " خداوند دیر خشمگین می شود ولی گناه را هرگز بدون سزا نمی گذارد... (ناحوم ۱: ۳). در این دنیای به گناه آلوده ، اشخاص قدرتمند اغلب احساسات تند و شدید دارند و در اکثر مواقع به موضوع های مختلف تعصب و حساسیت شدید نشان می دهند و اگر ما با آنها برخورد نامناسب داشته و یا باعث رنجش آن ها شویم ، حاضر نیستند که به سادگی از ما بگذرند و آن رنجش یا خطای کوچک زبردستان خود را به راحتی ببخشند. قدرتمندان این جهان تمایل دارند قدرت خود را به نمایش بگذارند. اما آن فرماندار و حاکمی که بتواند احساسات و قدرت خود را کنترل کند ، آن شخص در واقع حاکم بر خود و زیر دستانش است. خدا صبور است و دیر به خشم می آید، چون قادر مطلق است. او همانقدر که بر مخلوقات خودش قدرت دارد بر خودش نیز قدرت دارد. در این جا است که ما معنی و تفاوت بین رحمت خدا و صبر خدا را درک می کنیم. با این که ، این مخلوق خدا است که از خصلت الهی صبر خدا بهره مند می شود ، اما در واقع صبر خدا برای خود خدا است که مهاری بر اراده خودش باشد. در نقطه مقابل رحمت خدا فقط و فقط برای مخلوق خدا است. صبر خدا یک خصلت الهی است که باعث می شود او رنجش های بسیاری را متحمل شود اما فوراً انتقام نگیرد. خدا چنان قدرتمند است که هم قدرت اجرای عدالت را دارد هم قدرت تحمل شرارت را. به همین خاطر، لغتی که در زبان عبری برای صبر و تحمل استفاده می شود به معنی " دیر خشمگین شدن " می باشد. " تو خدایی بخشنده و رحیم و مهربان هستی، تو پر از محبت هستی و دیر خشمگین می شوی... " (نحمیا ۹: ۱۷) ، و " خداوند بخشنده و مهربان است، او دیرغضب و پر محبت است. " (مزمور ۱۰۳: ۸). البته منظور در اینجا این نیست که احساسات خدا جریحه دار نمی شود! خدا از گناهان ما متنفر است. ولی اصل موضوع این است که در حکمت و اراده الهی ، خداوند می خواهد با کمال وقار و متانت و اعتدال رفتار کند، همان طور که شایسته نام پر جلالش است. در زمانی که قوم اسراییل در صحرای سینا ، گناه می کند و خدا را به خشم می آورد چنان که خدا به موسی می گوید: تا به کی این قوم مرا اهانت می کنند؟ آیا بعد از این معجزاتی که در میان آن ها کرده ام باز به من ایمان نمی آورند؟ من ایشان را با بلایی هلاک می کنم و از تو قومی بزرگتر و نیرومند تر به وجود می آورم (اعداد ۱۴: ۱۱-۱۲). در

این جا موسی به خصلت صبر و بردباری خدا رجوع می کند و می گوید: التماس می کنم قدرت عظیمت را با بخشیدن گناهان ما نمایان ساخته، محبت عظیم خود را به ما نشان دهی. بر ما خشم نگیر و ما را ببخش هرچند گفته ای که گناه را بدون سزا نمی گذاری... (اعداد ۱۴: ۱۷-۱۸). در این جا موسی برای قوم یهود شفاعت می کند، همان طور که عیسی مسیح، برای ما که به عنوان نجات دهنده و خداوند به او ایمان داریم، شفاعت می کند، موسی هم به خصلت صبر و بردباری الهی خدا پناه برد. کتاب مقدس می گوید: چه می شود اگر خدا بخواهد با صبر زیاد متحمل کسانی شود که مورد خشم او بوده و سزاوار هلاکت می باشند و به این وسیله، هم غضب خود را نمایان سازد و هم قدرت خود را مکشوف گرداند؟ (رومیان ۹: ۲۲). پس در واقع اگر خدا اشخاص گناه کار را بلافاصله مجازات و نابود نمی کند، دارد به این ترتیب قدرت خویش را به نمایش می گذارد و این قدرت همان صبر و تحمل خودش در برابر شرارت بشر است. ولی متأسفانه افراد شریر این خصلت صبر و بردباری خدا را گونه ای دیگر تفسیر می کنند، "وقتی خداوند گناهکاران را فوری مجازات نمی کند، مردم فکر می کنند می توانند گناه کنند و در امان باشند." (جامعه ۸: ۱۱). اما کسی که چشم دل بینا دارد این خصلت خدا را می پرستد و می گوید: خدایا تو را شکر می کنم که این چنین در برابر شرارت دنیا صبور و بردباری و به من و اشخاص شرور فرصت می دهی تا توبه کنیم. طبق رساله رومیان باب ۱۵ آیه ۵، یکی از لقب های مهم خدا، این است که، خدا خدای صبوری است. خدایی که منشا فیض و صبر در ایمان داران است. خدایی که در نهایت کمال خود پر از بردباری است و این خدا می خواهد که ما هم همان خصلت صبر و تحمل را داشته باشیم. در کلام خدا می خوانیم: شما که برگزیدگان مقدس و محبوب خدا هستید، خود را به دلسوزی، مهربانی، فروتنی، ملائمت و بردباری ملبس سازید. (کولسیان ۳: ۱۲). وقتی که ندانم کاری دیگران را می بینیم و وسوسه می شویم که از آن ها بیزار شویم یا از کسی که ما را رنجانیده است انتقام بگیریم، به خاطر بیاوریم که خدای قدوس و عادل با من و شما که خطاکار هستیم، چقدر با صبر و بردباری رفتار کرده و ما را تحمل می کند، و این باعث می شود که با همان دیدی که خدا به مخلوقات گناه کارش نگاه می کند، نگاه کنیم و آن ها را ببخشیم. البته ما نمی توانیم این توانایی را به خودی خود داشته باشیم بلکه باید با ایمان آوردن به عیسی مسیح خداوند به قدرت روح مقدس خدا آراسته شویم تا مانند خدا عمل نماییم. زمانی که ما به طور واضح صبر و بردباری خدا را در نحوه ای که با گناه کاران رفتار می کند می بینیم، چگونه می توانیم بگوییم خدا بی انصاف است و به ما فرصت نمی دهد تا توبه کنیم. خود ما چقدر حاضر هستیم به کسانی که به ما بدی نموده اند فرصت دهیم تا عذرخواهی کنند؟ اگر به تاریخ نگاهی بیندازیم، یک نمونه بارز بردباری و صبر خدا را در داستان نوح خواهیم دید. به راستی که خدا بسیار صبور بود که به مردم زمان نوح فرصت داد که توبه کنند و از هلاکت ابدی رهایی یابند. ولی این بشر گناهکار، خدا و نوح را که داوری خدا را موعظه می کرد، به باد مسخره گرفت، ولی باز هم خدا صبر کرد و صبر کرد و انتظار می کشید. (اول پطرس ۳: ۲۰). خدا برای ۱۲۰ سال صبر کرد. (پیدایش ۶: ۳). در تمام این مدت، نوح به آن ها هشدار می داد، اما تعداد انگشت شماری توبه کردند. بعدها که مردم به جای پرستش خدای خالق، نه تنها روی به پرستش مخلوقات او و صنعت دست انسان می آورند بلکه حتی کارهای شرارت آمیز برخلاف امور طبیعی انجام دادند (رومیان ۱: ۱۹-۲۶) و همچنان به گناه و شرارت خود ادامه می دهند، با این حال باز به جای این که خدا فرمان غضب خود را صادر کند و چنین اشخاص شرور را از میان بردارد و نابود کند باز هم خدا می خواهد به آن ها فرصت بدهد و کلام خدا می گوید: در دوران گذشته او اجازه داد که جمیع ملت ها به راه های خود بروند، درعین حال اعمال نیک خدا همیشه وجودش را ثابت نموده است... (اعمال رسولان ۱۴: ۱۶-۱۷). وقتی به صبر و بردباری خدا نسبت به قوم بنی اسرائیل توجه می کنیم، می بینیم که چگونه خدا خصلت صبر الهی خود را به نمایش می گذارد، او برای چهار سال ناسپاسی و غرغر آن ها را در بیابان تحمل کرد، وقتی آن ها وارد سرزمین موعود شدند، علیرغم هشدارهای پیاپی خداوند مبنی بر دوری جستن از رسم و رسوم ملت های شرور آن منطقه، آن ها به بت پرستی روی آوردند، ولی با این حال خدا آن ها را مجازات کرد ولی کاملاً نابود نکرد، بلکه برای آن ها کمک کننده و رها کننده می فرستد. زمانی که این قوم در گناه باقی می ماند و به شرارت خود ادامه می دهد خدای قادر مطلق با صبر بی حد و اندازه اش اجازه می دهد آن ها به اسارت بابل برده شوند، اما باز هم آن ها را به طور کامل نابود نمی کند. در نهایت وقتی شرارت آن ها به حدی می رسد که عیسی مسیح را که در ذات خدای پدر و از همه به او نزدیک تر بود مصلوب می کنند چهل سال دیگر صبر می کند قبل از این که اجازه دهد امپراطوری رم، اورشلیم را با خاک یکسان کند! و آن هم زمانی بود که خداوند بر کلامش به آن ها نشان داد که ایشان لایق حیات جاودانی نیستند. (اعمال رسولان ۱۳: ۴۶). واقعا که چه شگفت انگیز است صبر و بردباری خدا در

دنیای امروز ما. مخصوصاً وقتی که به هر طرف که نگاه می کنیم متوجه می شویم ، مردم با جسارت در گناه زندگی می کنند، فرامین الهی مرتب زیر پا گذاشته می شود و مردم حتی به طور آشکار خدا را تحقیر می کند و از او نفرت دارند اما با این حال خدا آن ها را که این طور گستاخانه بر ضد او برخاسته اند بلافاصله نمی کشد و نابود نمی کند.(اعمال رسولان ۴: ۳۶- ۵: ۱۱). راستی چرا خدا همان طور که نمونه های مختلفی مانند حنانيا و سفیره که دروغگو بودند را فوراً مجازات کرد، اکنون اشخاص مغرور و خدا نشناس را مجازات نمی کند؟ تنها یک پاسخ هست و آن هم این که خدا با صبر زیاد کسانی را که مورد خشم او بوده و سزاوار هلاکت می باشند متحمل می شود.(رومیان ۹: ۲۲). ای کاش چنان این خصلت الهی بر ما آشکار شود که قلب های ما را نرم کند و وجدان ما را بیدار و حساس نماید و به توبه آمده و از خدای واقعی کمک بطلبیم. بهتر است زندگی خود را بررسی کنیم و از خود بپرسیم چگونه زندگی می کنیم؟ آیا ما هم مثل دیگران دنبال راه های این دنیا هستیم؟ مثل دیگران هیچ توجه درستی به خدا نداریم و فقط برای ارضای خواسته های خود زندگی می کنیم؟ واقعا که خدای عظیمی داریم که این چنین صبور و بردبار است و ما را تحمل می کند. اما ما چرا باید این صبر و بردباری خدا را ناچیز بشماریم؟ ما که از آینده خود خبری نداریم، از کجا می دانیم چقدر وقت داریم؟ الان زمان مناسبی است که به درگاه خدای قدوس و عادل که با صبر و بردباری منتظر ما است برویم و از او بخواهیم که در عیسای مسیح که برای گناهان ما مصلوب شد ، ما را ببخشد، او که بی گناه وارد شد، بی گناه زندگی کرد، او که آمد تا محبت خدا را به ما نشان دهد . صبر الهی برای این است که من و شما به توبه آمده و از فیض خدا بهره مند شویم. بیایید این دعوت خدا را در عیسای مسیح بپذیریم تا ما هم به خاطر ایمان به عیسای مسیح زنده صاحب حیات جاودان شویم.